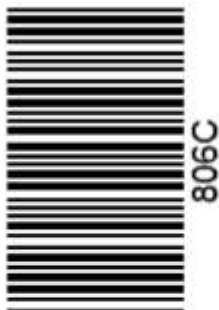


کد کنترل

806

C



صبح جمعه  
۱۳۹۷/۱۲/۳  
دفترچه شماره (۲)



«اگر دانشگاه اصلاح شود، مملکت اصلاح می‌شود.»  
امام خمینی (ره)

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
سازمان سنجش آموزش کشور

**آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌متمرکز) – سال ۱۳۹۸**

**گروه آزمایشی زبان**  
**«ویژه رشته‌های «آموزش زبان فرانسه» و «ادبیات فرانسه»**  
**کدرشته‌های ۲۸۰۱ و ۲۸۰۲**

مدت پاسخگویی: ۹۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۶۰

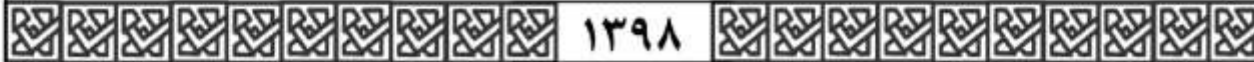
عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	استعداد تحصیلی	۳۰	۱۰۱	۱۳۰
۲	زبان فرانسه – عمومی	۳۰	۱۳۱	۱۶۰

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

این آزمون نمره منفی دارد.

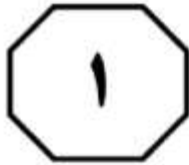
حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و ...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با متغییرن برابر مقررات رفتار می‌شود.



\* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب ..... با شماره داوطلبی ..... در جلسه این آزمون شرکت می‌نمایم.

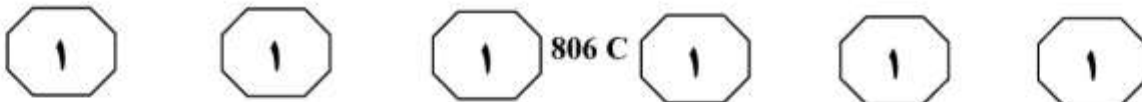
امضا:



## بخش اول

### راهنمایی:

در این بخش، دو متن به‌طور مجزا آمده است. هریک از متن‌ها را به‌دقت بخوانید و پاسخ سؤال‌هایی را که در زیر آن آمده است، با توجه به آنچه می‌توان از متن استنتاج یا استنباط کرد، پیدا کنید و در پاسخنامه علامت بزنید.



پایین آن عبارتند از: «دانش» (آگاهی از داده‌ها)، «درک مطلب» (فهمیدن داده‌ها) و «کاربرد» (استفاده از داده‌ها) و سطوح بالاتر آن عبارتند از: «تجزیه» (تفکیک داده‌ها)، «ترکیب» (آفرینش چیز جدیدی از داده‌ها) و «ارزشیابی» (دانش ارزشیابی). ویژگی این سطوح بالای تفکر، فرایندی است به نام «کنترل فراشناختی پیشین». فراشناخت به «شناخت شناخت یا دانستن درباره دانستن» (۴۵) گفته می‌شود. فراشناخت عبارت است از دانش فرد درباره چگونگی یادگیری خود.

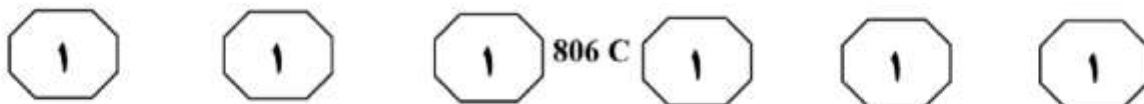
تفکر انتقادی نوعی حل مسئله است، اما علاوه بر حل مسئله، شامل توانایی‌های تحلیل و ارزشیابی امور نیز می‌باشد. به عبارت دیگر، تفکر انتقادی یعنی توانایی و گرایش فردی برای سنجش نتایج امور و تصمیم‌گیری درباره آنها. براساس شواهد می‌توان گفت که ماهیت و ذات تفکر انتقادی، رسیدن به «قضاوت معلق» یا «تردید سالم» است. «لیپمن» برای تفکر انتقادی، ویژگی‌هایی برمی‌شمرد: تفکری که قضاوت‌ها را تسهیل می‌کند؛ چرا که به ملاک متکی است، به زمینه‌ای که در آن رویداد اتفاق افتاده حساس می‌باشد و همراه با «خودتصحیحی» است. تفکر انتقادی بدون داشتن تفکر خلاق، ممکن نیست. خلاقیت سازماندهی دوباره دانسته‌ها برای پی بردن به مطالبی است که نمی‌دانیم. از این رو، برای اینکه خلاقانه بیندیشیم باید این توانمندی‌ها در ما ایجاد شود تا بتوانیم آنچه را درست می‌پنداریم، بازنگری کنیم. تفکر خلاق، توانایی ارائه راه‌حل‌های جایگزین، بررسی دیگر عوامل درگیر با موضوع و مکملی ضروری برای تفکر انتقادی و قیاسی است.

سطر شالوده مهارت‌های فکری باید از همان سال‌های اولیه زندگی پی‌ریزی شود، زیرا فراخواندیشی از همان سال‌هایی آغاز می‌شود که شخصیت و هویت کودک به‌عنوان یک شخص متفکر، در حال شکل‌گیری است. در طول دوره‌ای که کودکان رشد کرده و بزرگسال می‌شوند، تمایل روزافزونی به جزم‌اندیشی و داشتن ذهن بسته در آنها پدید می‌آید. وقتی که ذهن بسته باشد، اعتقادات و باورها خودمحور هستند و به‌عبارتی، آنچه را که «من» باور دارم، بسیار اساسی‌تر است از آنچه که من «باور دارم». متعصبان توانایی لازم را برای ورود به گفت‌وگوی آزاد و مستدل ندارند. نباید اجازه داد که چنین اتفاقی بیفتد.

می‌توان به کودکان آموزش داد تا ارزش و منزلت ظرفیت فکری خود را بدانند. همین‌طور اصول استدلال کردن، شیوه استفاده از دلیل به‌عنوان ابزاری برای یادگیری، راه یادگیری از دیگران و نیز چگونگی ایفای نقش در فعالیت‌های گروهی تحقیقاتی را می‌توان به کودکان آموزش داد. برای رسیدن به چنین هدف‌هایی باید به آنها فرصت داد تا خودشان افکار و اندیشه‌های خود را کشف کنند، ایده‌های خود را در قالب واژه‌ها بیان کنند، نظریات خویش را ارائه دهند و به توجیه باورهای خود بپردازند. آنان نیاز دارند که خود را به‌عنوان افرادی توانا، متفکر و باحساس کشف کنند. اگر قرار است افراد فراخواندیش و منتقد بار آیند، نباید بگذاریم که قدرت فکری ایشان به‌دست شانس سپرده شود. از نظر «لیپمن»، استدلال ماهرانه کیسه‌ای هوشمند و پر از ترفند نیست که در گذر از این مسیر تصادفی به‌دست آید؛ بلکه آموزه‌ای است که بیش از همه با تمرین و بحث منظم آموخته می‌شود.

تفکر سطوح مختلفی دارد که سطوح

به صفحه بعد بروید.



۱۰۳- منظور از اشاره به «لیپمن» در پاراگراف ۲،

کدام است؟

- ۱) تأکید بر دشواری فرایند یادگیری تفکر صحیح
- ۲) ارائه مثالی ساده برای ردّ ادعای غالب در زمینه آموزش تفکر
- ۳) بازگویی جمله ماقبلش و تأییدی بر نتیجه‌گیری پاراگراف
- ۴) تمایز میان تفکر انتقادی و تفکر زیرکانه که برای قبولاندن نظری، حتی غلط به دیگران، ممکن است به کار رود

۱۰۱- هدف اصلی متن، کدام است؟

- ۱) تبیین رابطه میان فراخ‌اندیشی و تفکر انتقادی
- ۲) توضیح زمینه لازم برای رشد تفکر انتقادی
- ۳) تمایز میان تفکر محض و تفکر انتقادی
- ۴) تأکید بر لزوم آموزش تفکر انتقادی

۱۰۴- طبق متن، وجود کدام مورد، برای موجودیت

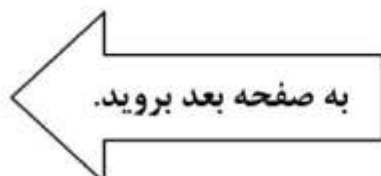
تفکر خلاق ضروری است؟

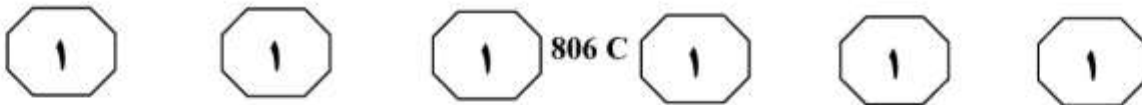
- ۱) توان تحمل «قضاوت معلق» یا «تردید سالم» و داشتن ملاک لازم برای خروج از این مرحله
- ۲) توان ساختاربندی دوباره مطالبی که می‌دانیم، برای رسیدن به نادانسته‌ها
- ۳) خواست و میل خروج از مرحله «من» باور دارم و ورود به حیطه من «باور دارم»
- ۴) داشتن ملاک برای تسهیل قضاوت‌های روزانه

۱۰۲- اطلاعات لازم برای پاسخ به کدام سؤال زیر،

در متن موجود است؟

- ۱) چرا وقتی ذهن بسته باشد، باورها خودمحور هستند؟
- ۲) «کنترل فراشناختی پیشین» در کدام بخش از سطوح تفکر قرار می‌گیرد؟
- ۳) چگونه یاد دادن تفکر انتقادی به کودک، باعث رشد خلاقیت در او می‌شود؟
- ۴) چرا به کودک، اغلب اجازه داده نمی‌شود تا نظراتش را بیان و باورهایش را توجیه کند؟





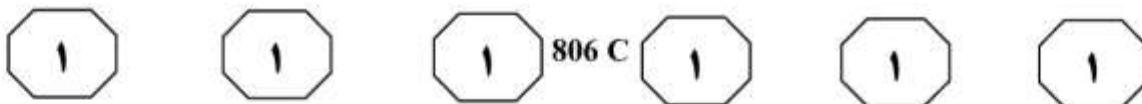
مداوم تعداد باسوادان مربوط بود، چون ترجمه، ابزاری برای آموزش زبان به کودکان بود. این (۳۵) استفاده از ترجمه به عنوان ابزاری برای آموزش، در تلقی عام نسبت به ترجمه اثر گذاشت و آن را در حدّ فعالیتی فاقد اصالت و خلاقیت پایین آورد. در نتیجه، در این دوره که برای اصالت ارزش زیادی قائل بودند، ترجمه اهمیت خود را از دست داد. خود مترجمان نیز در این امر بی تقصیر نیستند. غالب مترجمان در مقایسه با نویسندگان محبوب تر و متواضع ترند و بیشتر نقشی کارکردی برای خود متصورند تا خلاقانه. [۲] اما مضحک است که ترجمه را فعالیتی غیرادبی بدانیم. مترجم در آغاز رویارویی با متن، نخست خواننده است و سپس، بازنویس و بازآفریننده متن در زبان دیگر می شود. با توجه به محدودیت‌هایی که متن اصلی برای مترجم پیش می آورد، (۵۰) ترجمه مستلزم یک سلسله مهارت‌های زبانی است که به هیچ عنوان کم‌ارزش‌تر از مهارت‌های لازم برای تألیف نیست.

بسیاری از نویسندگان، ترجمه هم می‌کنند و از نظر کسانی که هم ترجمه می‌کنند و هم می‌نویسند، نه تمایزی میان تألیف و ترجمه وجود دارد و نه تألیف برتر است. ترجمه مانند تقلید می‌تواند ابزار یادگیری هنر نویسندگی باشد، چون وقتی نویسنده می‌تواند صداهای مختلف را تشخیص دهد و صحبت کند، احتمال اینکه بتواند صدای منحصر به فرد خود را بیابد، بیشتر می‌شود. از ترجمه می‌توان برای دستیابی به هدفی بالاتر از یادگیری اصول پایه‌ای نوشتن هم استفاده کرد. ممکن است ترجمه در طول (۶۵)

سطر نمی‌دانم از کی بین تألیف و ترجمه تفاوت قائل شدند و تألیف را برتر دانستند. آنچه می‌دانم این است که چنین تمایزی وجود دارد و مدت‌هاست بین این دو تبعیض قائل می‌شوند. ترجمه را شکل نازلی از نوشتن به شمار می‌آورند و تألیف را فعالیتی اصیل، خلاق و برتر می‌شمارند. برخی نویسندگان را به اعلا علین می‌رسانند و در باب دستاوردهای آنها سخن به گزاف می‌گویند، اما مترجمان هر چقدر هم پربرابر باشند، به چشم نمی‌آیند. [۱] مترجمان موجوداتی نامرئی‌اند که هنر نویسندگی آنان در سایه شهرت نویسنده محو می‌شود. این تمایز ناروا میان تألیف و ترجمه، چنان همه‌گیر شده که استادان (۱۵) دانشگاه تمایل به ذکر ترجمه‌هایشان در فهرست آثارشان ندارند و یک مقاله تألیفی در یک مجله گمنام، با ارزش‌تر از ترجمه اثری از پوشکین یا دانته به شمار می‌آید. در قرون وسطی، چنین تمایزی وجود نداشت. کم نبودند نویسندگانی چون چاسر که به چند (۲۰) فعالیت ادبی مشغول بودند، از تألیف و ترجمه گرفته تا بازنویسی و شبه ترجمه و تقلید. در قرن شانزدهم نیز ترجمه به منزلت بالایی دست یافته بود. در اواخر قرن شانزدهم، (۲۵) زمانی که جان درایدن به ترجمه و تألیف مشغول بود، کم‌کم زمزمه این تمایز آغاز شد و این به نفع ترجمه نبود.

دلیل این تمایز، تا حدّی به اختراع صنعت چاپ مربوط است و تا حدّی به پیچیدگی‌های قوانین حق تألیف که همگام با صنعت چاپ به وجود آمد و تا حدّی به شیفتگی جهان پسارنسانس به متن اصلی که متنی صاحب اقتدار به حساب می‌آمد. شاید هم تا حدّی به افزایش (۳۰)

به صفحه بعد بروید.



حیات یک نویسنده، یکی از فعالیت‌های ادبی وی نیز باشد. [۳] بیشتر شعرای قرن هجدهم، رمانتیک‌های اروپا، نویسندگان مطرح قرن نوزدهم، نویسندگان آخر سده نوزده، مدرنیست‌ها و شعرای دهه ۱۹۳۰، همگی ترجمه می‌کردند و ترجمه‌های دیگران را می‌خواندند. جنبش‌های ادبی در سراسر اروپا در قرن نوزدهم، ریشه در ترجمه داشت. بعدها با گسترش تجارت، راحت شدن سفر و بسط ارتباطات، جهان کوچک‌تر شد و به‌این‌ترتیب، ترجمه در ایجاد آگاهی از فرهنگ‌های مختلف، نقش عمده‌ای بازی کرد. (۷۰) ترجمه ابزاری بود برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد دیگر نویسندگان و آثارشان و نیز کشف راه‌های جدید تألیف. [۴]

- ۱۰۵- در پاراگراف اول، کدام مورد زیر را می‌توان به‌درستی، از دیدگاه نویسنده استنباط کرد؟  
 (۱) کار ترجمانی از اصالت و خلاقیت بالاتر از فعالیت‌های تألیفی برخوردار است، چون هم نویسندگی و هم مهارت زبان دوم، در آن نهفته است.  
 (۲) انتخاب اثری از نویسنده‌ای بزرگ، نام مترجم را بسیار کم‌رنگ می‌کند.  
 (۳) تمایز میان تألیف و ترجمه، به زمان اندکی پس از قرون وسطی برمی‌گردد.  
 (۴) مترجم به معنی درست آن، فردی صاحب هنر و مهارت نویسندگی است.
- ۱۰۶- کدام مورد، به بهترین وجه، ساختار پاراگراف ۲ را توصیف می‌کند؟  
 (۱) دو نظر مختلف راجع به یک موضوع مقایسه، و دلایل برتری یک نظر نسبت به دیگری، نشان داده می‌شود.  
 (۲) یک الگوی سنتی و متعارف، رد و الگویی جایگزین، معرفی می‌شود.  
 (۳) ادله جدیدی برای رد یک نظریه غالب مطرح و سپس خود آن نظریه، بحث می‌شود.  
 (۴) دلایل پدیده‌ای واکاوی و سپس ادعایی خلاف آن پدیده، مطرح می‌شود.
- ۱۰۷- کدام روش استدلالی زیر، در متن مورد استفاده قرار نگرفته است؟  
 (۱) توصیف فرایند  
 (۲) توصیف عملکرد  
 (۳) استفاده از مثال  
 (۴) توصیف تحولات برحسب توالی زمانی رویدادشان
- ۱۰۸- کدام قسمت در متن که با شماره‌های [۱]، [۲]، [۳] و [۴] مشخص شده‌اند، بهترین قسمت برای قرار گرفتن جمله زیر است؟  
 «برای مثال، الکساندر پوپ شهرتش را همان اندازه مدیون «دانسیاد» است که مدیون ترجمه‌اش از شعر هومر.»  
 (۱) [۱]  
 (۲) [۲]  
 (۳) [۳]  
 (۴) [۴]

## پایان بخش اول



## بخش دوم

### راهنمایی:

برای پاسخگویی به سؤال‌های این بخش، لازم است فقط موقعیتی را که در هر سؤال مطرح شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید و سپس گزینه‌ای را که فکر می‌کنید پاسخ مناسب‌تری برای آن سؤال است، انتخاب کنید. هر سؤال را با دقت بخوانید و با توجه به مطالب مطرح شده در هر سؤال و نتایج که بیان شده و بیان نشده ولی قابل استنتاج است، پاسخی را که صحیح‌تر به نظر می‌رسد، انتخاب و در پاسخنامه علامت بزنید.



806 C



۱۱۰- از زمان آغاز آموزش زبان تخصصی در ایران در دهه ۱۳۵۰، هدف این آموزش، بیشتر متون تخصصی بوده است و به واقع، همه دانشجویان در ایران، باید یک تا سه درس زبان تخصصی را بگذرانند. این دروس را استادان زبان یا استادان دروس تخصصی، بدون هیچ همکاری با یکدیگر، تدریس می‌کنند. تاکنون تحقیقی جدی به منظور بررسی اثربخشی این دروس صورت نگرفته است، ولی جالب است که در این زمینه، بیش از ۲۰۰ جلد کتاب درسی چاپ و در بازار موجودند. سؤال من این است، وقت آن نیست کمی دست‌نگه‌داریم و منطقی‌تر پیش برویم. کدام‌یک از موارد زیر را می‌توان به‌درستی، از متن فوق استنباط کرد؟

(۱) موضوع مفید بودن دروس زبان تخصصی، می‌تواند موضوعی مهم برای یک تحقیق جدی باشد.

(۲) همکاری استادان دروس تخصصی در آموزش زبان تخصصی، همواره به کارایی آموزش در این حوزه، لطمه زده است.

(۳) دلیل ناکارآمدی کتاب‌های موجود در زمینه آموزش زبان تخصصی، تحقیق‌محور نبودن آنهاست.

(۴) اقدام به آموزش زبان تخصصی، از بنیان، کاری اشتباه بوده است.

۱۰۹- بحث درباره رابطه زبان و تفکر و تأثیر این دو بر یکدیگر، بحثی قدیمی است که پاسخ مشخصی نیز به آن داده نشده است. امروزه نیز، پژوهشگران به این مسئله پرداخته‌اند اما هنوز نتوانسته‌اند جواب قانع‌کننده‌ای که مقبولیت عام داشته باشد، برای این سؤال ارائه کنند. گره کار عمدتاً در اینجاست که بر سر تعریف تفکر، اتفاق نظر وجود ندارد. به راستی تفکر چیست؟ به چه فرایند یا فرایندهای ذهنی، تفکر گفته می‌شود؟ ماروین مینسکی، که از طرفداران دوآتشه هوش مصنوعی و سیستم‌های هوشمند است و معتقد است هر کاری که مغز انسان بتواند انجام دهد، کامپیوتر نیز روزی از عهده آن بخواهد آمد، در پاسخ این سؤال که آیا کامپیوتر می‌تواند فکر کند، جواب می‌دهد: «بله، به شرط اینکه شما برای من تعریف کنید تفکر چیست». مینسکی خوب می‌داند که با این جواب،

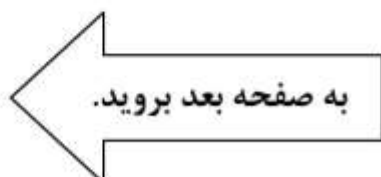
.....  
کدام مورد، به منطقی‌ترین وجه، جای خالی در متن فوق را کامل می‌کند؟

(۱) چه سنگ بزرگی، پیش پای مخالفان خود می‌اندازد

(۲) راهی مطمئن برای رفع تناقض ذاتی ادعایش فراهم می‌آورد

(۳) همان کاری را می‌کند که به واقع، فیلسوفان مدعی در طی قرن‌ها کرده‌اند

(۴) بالاخره آتشی را که به خرمن یک جدل تاریخی افتاده است، خاموش می‌کند







۱۱۲- اتکینسون معتقد بود انگیزش برای دستیابی به موفقیت، تحت تأثیر احتمال موفقیت و جذابیت آن قرار دارد. میزان انگیزش فرد برای انجام تکلیفی (تلاشی)، به این موضوع بستگی دارد که در باور او، احتمال موفقیت انجام آن تکلیف تا چه اندازه است و اگر به هدف نایل شود، آیا پاداش آن مناسب و جذاب است یا خیر. بنابراین می‌توان با در نظر گرفتن اهداف تکلیف براساس توانایی‌های فردی دانش‌آموزان، احساس موفقیت و تلاش را در آنها ایجاد نمود. همچنین وقتی دانش‌آموزان، کلاس خود را جذاب و تسهیل‌کننده رشد خویش ببینند، تکالیفی را ترجیح می‌دهند که آنها را به چالش فراخواند و کلاس خود را بیشتر دوست خواهند داشت. البته باید دانش‌آموزان تشویق شوند که برای رشد خویش تلاش کنند و به یک انگیزش درونی برای کسب موفقیت دست یابند، در این صورت برای کسب موفقیت، دست به تلاش جدی می‌زنند.

کدام مورد، ارتباط دو بخشی از متن را که زیر آنها خط کشیده شده است، به بهترین وجه، توصیف می‌کند؟

(۱) اولی، ادعای اصلی متن و راهکار نیل به آن را توصیف و دومی، چالشی خارج از کنترل را که در مسیر نیل به هدف متن و کارایی راهبرد پیشنهادی وجود دارد، ترسیم می‌کند.

(۲) اولی، راهبرد رسیدن به هدفی است که متن به دنبال آن است و دومی، به معرفی عاملی جدید می‌پردازد که امکان کارایی راهبرد پیشنهادی را تقویت می‌کند.

(۳) اولی، یافته‌ای است که با موضع اصلی نویسنده همخوان نیست و دومی، موردی است که نویسنده برای رفع این ناهمخوانی آورده است.

(۴) اولی، نتیجه‌گیری متن است و دومی، آن نتیجه‌گیری را هم مشروط و هم تعدیل می‌کند.

۱۱۱- برخی استدلال می‌کنند که ترجمه، موجبات رکود علمی را فراهم می‌آورد، زیرا به جای تولید علم، واردات علم را استمرار می‌بخشد. به بیان ساده‌تر، اگر ترجمه کنیم، حتی در حوزه‌های کاملاً علمی، فقط مصرف‌کننده دانش دیگران باقی خواهیم ماند؛ حال آنکه اگر تألیف کنیم، موفق به تولید دانش خواهیم شد. به اعتقاد من، این دیدگاه، به‌غایت فروکاهنده و ساده‌اندیشانه است. کسانی که چنین برداشت ابتری از ترجمه دارند، متوجه نیستند که ترجمه، راه ما برای رسیدن به مرزهای نو در دانش را بسیار کوتاه‌تر می‌کند. انتقال تجربه‌ها و دستاوردهای علمی از راه ترجمه، این امکان را فراهم می‌سازد که از پیمودن مسیرهای قبلاً پیموده‌شده و آزمودن تجربه‌های قبلاً آزموده‌شده خودداری کنیم و در عوض، نیرو و توانمان را صرف پیشبرد دانش از مرزهای فعلی کنیم.

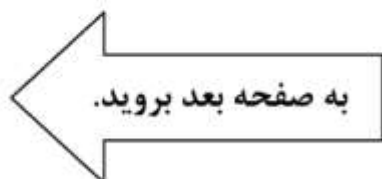
کدام مورد، از جمله ایرادات وارد به استدلال نویسنده متن فوق است؟

(۱) در بسیاری از کشورهای جهان که در مرتبه بالای علمی قرار دارند هم، ترجمه بازار خوبی دارد که این موضوع، نباید از نظر دور بماند.

(۲) اینکه آیا ارتقای فرهنگی به همان اندازه به تألیف وابسته است که ارتقای علمی و تکنیکی، موضوعی مهم و در عین حال مناقشه‌برانگیز است که به آن نیز باید پرداخته شود.

(۳) نقش مهارت مترجم در برگردان کتابی که برای ترجمه انتخاب می‌کند، بی‌شک متغیری مهم در اقبال عمومی از آثار ترجمه‌شده است که باید در هر بحثی از ترجمه، مورد توجه خاص قرار گیرد.

(۴) ترجمه در حوزه‌های مختلفی، غیر از حوزه علمی، همچون حوزه‌های ادبی و هنری نیز صورت می‌گیرد که نقش آن در ارتقای این حوزه‌ها هم، جای بحث دارد.





۱۱۴- در یک رابطه بین فرهنگی، فردی می تواند ابتکار عمل را به دست گیرد و موفقیت رابطه را ممکن کند که از توانش بین فرهنگی برخوردار است. چنین فردی، مشکلات و سوء تفاهات را عنصری طبیعی از رابطه می داند، چرا که از تفاوت میان خود و دیگری آگاه است و علاقه مندی او به ادامه ارتباط، وی را به سمت رمزگشایی پیچیدگی های رابطه سوق می دهد. با این نگرش، می توان ادعا داشت که در دنیای امروز که در آن، تماس با بیگانگان از یک سو و مقابله با نژادپرستی و ترس از بیگانه از سوی دیگر، بیش از هر زمان دیگر نمود دارد، آموزش توانش بین فرهنگی به افراد، از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است و می تواند کمک شایانی به پیشبرد اهداف این چنینی کند، چرا که به اعتقاد کارشناسان، بسیاری از اعمال نژادپرستانه، ریشه در همین بیگانگی ها و تفاوت ها و عدم اطلاع از چگونگی رویارویی با آنها دارند.

کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، استدلال نویسنده را به بهترین وجه، تقویت می کند؟

(۱) دست اندرکاران فرهنگی برخی جوامع، با بالا بردن ضریب توانش فرهنگی، میزان تمایلات نژادپرستانه در جامعه را به طور معنی داری کاهش داده اند.

(۲) در جوامعی که در آنها گرایش های نژادپرستانه کم است یا وجود ندارد، مردم بر این باورند که دوری از تحمیل فرهنگ غالب به اقلیت ها، عامل اصلی این وضعیت مطلوب است.

(۳) در جوامعی که سطح بالایی از تبعیض نژادی وجود دارد، افراد بسیاری از اقلیت های نژادی، جزو گروه هایی می شوند که مروج برابری نژادی و ایجاد فضای تساهل فرهنگی هستند.

(۴) برخی محققان دریافته اند که بین توانش فرهنگی در جوامع مختلف و احساس بیگانگی با افراد فرهنگ های دیگر، فارغ از میزان اختلافات فرهنگی موجود، نوعی همبستگی مثبت وجود دارد.

۱۱۳- تفکیک زبان انسانی از زبان جانوری، بر سه محور اساسی استوار است. نخست، اصل قراردادی بودن زبان، یعنی تنها با نوعی «قرارداد» در معانی واژگان می توان به گستره بی پایان مفاهیم فرهنگی مورد استفاده انسان ها دست یافت. این قابلیت، گواه دومین اصل زبان انسانی است: خلاقیت و آفرینندگی آن. ترکیب اصوات و معانی در قالب ساخت های زبان، امکان بی پایانی برای ایجاد معانی به وجود می آورد، امکانی که به روشنی در آفرینش های ادبی بروز می کند. سومین اصل مهم در زبان انسانی، قابلیت جابه جایی آن در زمان و مکان و بین واقعیت و خیال است. ساخت های زبانی به انسان امکان می دهند، گذشته، حال و آینده را تصور کند، شرایط واقعی یا خیالی را در ذهن خلق کند و هر کدام از زمینه ها و عناصری را که مایل باشد، در هر زمان و مکانی با یکدیگر ترکیب کند. خاصیت حرکت اندیشه از خلال مفاهیم (یا همان واژگان) به انتزاع، امکان مهم و ارزشمندی است که ذهن انسان را آماده پذیرش مفاهیم کاملاً پیچیده ای چون اخلاق و دین می کند.

کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، استدلال فوق را تضعیف می کند؟

(۱) برخی زبان شناسان بر این باورند که اصول پایه ای زبان های بشری، در عین شباهت، دارای تفاوت های خاص خود نیز هستند که برخاسته از رابطه میان انسان با محیط طبیعی اطرافش است.

(۲) آفرینش ادبی، مختص به نژاد و یا زبانی خاص نیست و به واقع، از بدو تاریخ مکتوب، ادبیات انتزاعی و خیال پردازانه همه موجودات بوده است.

(۳) اقوام اولیه انسان با اینکه دارای زبان نبودند، دارای باورهای دینی بسیار نزدیک به آنچه امروز دین می نامیم، بودند.

(۴) برخی زیست شناسان بر این باورند که زبانی که حیوانات برای ایجاد ارتباط با هم به کار می برند، قرابت هایی با زبان انسانی دارد.



806 C



۱۱۵- ریخت‌شناسی (Morphology) از سوی ولادیمیر پراپ، پژوهشگر فرمالیست معاصر، به‌عنوان الگوی مطالعاتی داستان‌های عامیانه انتخاب شد. اگرچه الگوی مذکور براساس قصه پریان روسی شکل گرفت، اما قابل‌تعمیم به سایر ژانرهای داستانی ملل دیگر، از جمله ادبیات فارسی ایران است. پراپ که در پی کشف ساختار واحد روایی در قصه‌های پریان بود، به ارائه الگویی نایل می‌شود که مراحل حضور قهرمان را در طول روایت‌های داستانی، طبقه‌بندی و تحلیل می‌کند. این الگو که بعدها از سوی دیگر صاحب‌نظران، مورد نقد و تعدیل‌هایی قرار گرفت، در ادبیات داستانی و شبه‌داستانی ایران (حکایت، تمثیل و ...) نیز تعمیم‌دانی است که از آن جمله است تقلیل مراحل این الگو به پنج مرحله کلی از سوی پاول وهولین، پژوهشگر ساختارگرای روسی، که توان انطباق با آثار داستانی گسترده‌ای را در نظریه پیشین ایجاد می‌کند. از این‌رو، این پژوهش براساس نظریه پراپ و مدل وهولین، در پی آن است که بخشی از ادبیات تعلیمی فارسی را بررسی کند و سهم قهرمان‌محوری را در این ژانر بسنجد. لذا، گلستان سعدی به‌عنوان یک اثر تعلیمی، انتخاب، بررسی و تحلیل شد.

کدام‌یک از موارد زیر، یکی از فرضیات لازم در استدلال فوق است که لازمه درستی نتایج تحقیقی است که نویسنده انجام داده است؟

- ۱) استفاده از مدل ولادیمیر پراپ برای تحلیل داستان‌های ملل دیگر، نتایج قابل‌قبولی به‌دنبال داشته است.
- ۲) تغییراتی که پاول وهولین در ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ اعمال کرد، همگی درست و به‌جا بودند.
- ۳) انتقال مدل‌های تحقیق و بررسی، از علمی به علم دیگر، شایع و گریزنایذیر است.
- ۴) گلستان سعدی، بهترین اثر تعلیمی در ادب فارسی به‌شمار می‌رود.

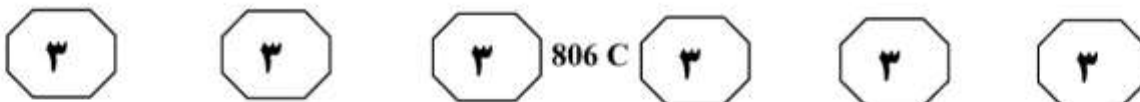
## پایان بخشی دوم



## بخش سوم

### راهنمایی:

در این بخش، توانایی تحلیلی شما مورد سنجش قرار می‌گیرد. سؤال‌ها را به‌دقت بخوانید و پاسخ صحیح را در پاسخنامه علامت بزنید.



راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۱۱۶ تا ۱۱۹ پاسخ دهید.

- ۱۱۷- اگر حرف B زودتر از حرف A نوشته شود، کدام یک از موارد زیر، به‌طور قطع، صحیح است؟
- حرف D زودتر از حرف A نوشته می‌شود.
  - حرف C زودتر از حرف E نوشته می‌شود.
  - حروف D و E، کنار هم نوشته می‌شوند.
- I, II و III
  - II و III
  - I و II
  - I و III
- معلمی از دانش‌آموز خود می‌خواهد که حروف انگلیسی A, B, C, D, E و F را در شش خانه به‌صورت زیر، از چپ به راست، طوری بنویسد که محدودیت‌های زیر رعایت شود.
- حرف D، زودتر از حرف B نوشته نشود.
  - حرف A کنار حرف E قرار بگیرد، ولی کنار D قرار نگیرد.
  - حرف B، دقیقاً بین دو حرف A و C قرار نگیرد.
  - با جابه‌جایی حروف اول و آخر با یکدیگر در اتمام کار، هیچ کدام از محدودیت‌های قبل نقض نشود.



- ۱۱۸- اگر سومین حرفی که نوشته می‌شود E باشد، D چندمین حرفی است که نوشته می‌شود؟
- ششمین
  - پنجمین
  - چهارمین
  - دومین
- ۱۱۶- اگر حروف E و F کنار هم نوشته شوند، دقیقاً بعد از A، کدام حرف نوشته می‌شود؟
- B
  - C
  - E
  - F

- ۱۱۹- اگر حروف D و F دقیقاً کنار هم نوشته شوند، جای نوشتن چند حرف از شش حرف، به‌طور قطع مشخص می‌شود؟
- ۲
  - ۳
  - ۴
  - ۶

به صفحه بعد بروید.



806 C



راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۱۲۰ تا ۱۲۳ پاسخ دهید.

۱۲۱- در چند حالت مختلف، الگو می‌تواند به یک عدد فرد ختم شود؟

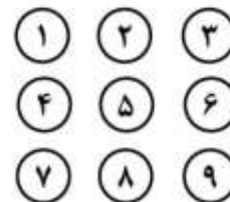
- (۱) ۱  
(۲) ۲  
(۳) ۳  
(۴) ۴

فردی برای ساختن یک رمز به صورت الگو برای گوشی خود، چهار عدد از شکل زیر را باید طوری به همدیگر وصل کند که شکل حاصل به صورت حرف لاتین L (یا هر حالت حاصل از چرخش، قرینگی یا هردو) درآید. در مسیر ساختن الگو، هر عدد باید فقط به یکی از اعداد بالا، پایین، چپ و راست خود، وصل شود. اطلاعات زیر، موجود است:

- در الگوی ساخته شده، عدد ۴ به ۵ و عدد ۳ به ۶ وصل نمی‌شوند، اما نه بالعکس.
- الگوی ساخته شده، نه با ۲ شروع می‌شود و نه به ۷ ختم می‌شود.
- عدد ۸، جزو چهار رقم تشکیل دهنده الگو نیست.

۱۲۲- اگر الگوی ساخته شده با یک عدد زوج شروع شود، کدام رقم (ارقام) به طور قطع در الگو وجود دارد؟

- (۱) فقط ۱  
(۲) ۴ و ۷  
(۳) ۱، ۲ و ۳  
(۴) فقط ۱ و ۳



۱۲۰- اگر عدد ۳ جزو ارقام سازنده الگو نباشد، کدام رقم زیر، به طور قطع، جزو ارقام سازنده الگو است؟

- (۱) ۲  
(۲) ۴  
(۳) ۶  
(۴) ۷

۱۲۳- اگر الگوی ساخته شده به گونه‌ای باشد که با وصل کردن ارقام الگو به هم از آخر به اول، باز الگوی درستی حاصل شود، کدام رقم زیر، جزو ارقام الگو نیست؟

- (۱) ۲  
(۲) ۳  
(۳) ۴  
(۴) ۵

## پایان بخش سوم



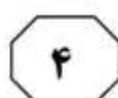
## بخش چهارم

### راهنمایی:

- این بخش از آزمون استعداد، از انواع مختلف سؤال‌های کمی، شامل مقایسه‌های کمی، استعداد عددی و ریاضیاتی، حل مسئله و ... تشکیل شده است.
- توجه داشته باشید به خاطر متفاوت بودن نوع سؤال‌های این بخش از آزمون، هر سؤال را براساس دستورالعمل ویژه‌ای که در ابتدای هر دسته سؤال آمده است، پاسخ دهید.



806 C

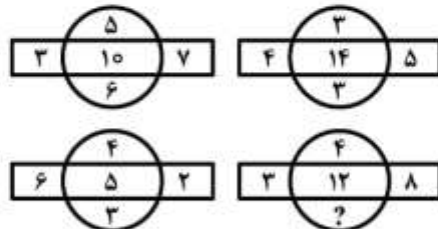


راهنمایی: هر کدام از سؤال‌های ۱۲۴ تا ۱۲۷ را به دقت بخوانید و جواب هر سؤال را در پاسخنامه علامت بزنید.

۱۲۴- زوجی، هردو در سن ۲۶ سالگی، با یکدیگر ازدواج می‌کنند و زمانی که ۱۶ امین سالگرد تولد فرزندشان را جشن می‌گیرند، هر کدام دقیقاً سه برابر او سن دارند. این فرزند، چند سال پس از ازدواج آن زوج، به دنیا آمده است؟

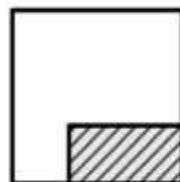
- (۱) ۶  
(۲) ۷  
(۳) ۸  
(۴) ۱۰

۱۲۴- در هر کدام از اشکال زیر، بین اعداد ارتباط خاص و یکسانی برقرار است. به جای علامت سؤال، کدام عدد باید قرار بگیرد؟



- (۱) ۱۰  
(۲) ۸  
(۳) ۶  
(۴) ۴

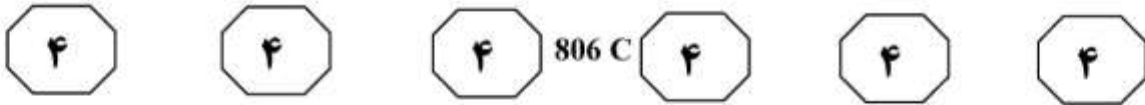
۱۲۵- از یک مقوای مربع شکل، مستطیلی با اضلاعی به نسبت ۱ به ۲ جدا می‌کنیم. با این عمل، ۳۲ درصد از مساحت مربع کم می‌شود. مساحت بزرگ‌ترین مربع ممکن که می‌توان از تکه باقی‌مانده جدا کرد، چند درصد از مساحت مربع اولیه است؟



- (۱) ۴۸  
(۲) ۴۲  
(۳) ۴۰  
(۴) ۳۶

به صفحه بعد بروید.





۱۲۷- چوب کبریتی را به نسبت ۴ به ۷ به دو قسمت تقسیم می‌کنیم. اگر تکه بزرگ‌تر را نصف کنیم، چند درصد از تکه کوچک‌تر را باید از آن جدا کرده و دور بیندازیم تا درنهایت، سه تکه با اندازه‌های برابر داشته باشیم؟

- (۱) ۱۷٫۵  
(۲) ۱۵  
(۳) ۱۲٫۵  
(۴) ۱۰

راهنمایی: سؤال ۱۲۸، شامل دو مقدار یا کمیت است، یکی در ستون «الف» و دیگری در ستون «ب». مقادیر دو ستون را با یکدیگر مقایسه کنید و با توجه به دستورالعمل، پاسخ صحیح را به شرح زیر تعیین کنید:

- اگر مقدار ستون «الف» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۱ را علامت بزنید.
- اگر مقدار ستون «ب» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه ۲ را علامت بزنید.
- اگر مقادیر دو ستون «الف» و «ب» با هم برابر هستند، در پاسخنامه گزینه ۳ را علامت بزنید.
- اگر براساس اطلاعات داده‌شده در سؤال، نتوان رابطه‌ای را بین مقادیر دو ستون «الف» و «ب» تعیین نمود، در پاسخنامه گزینه ۴ را علامت بزنید.

۱۲۸- فردی یک گوشی تلفن همراه که قیمت آن، زیر ۳ میلیون تومان است را ۲۰ درصد ارزان‌تر از قیمت بازار از دوستش می‌خرد و آن را با ۴۰ درصد سود به فرد دیگری می‌فروشد.

<u>الف</u>	<u>ب</u>
قیمت فروخته‌شده	قیمت بازار آن
گوشی تلفن همراه	گوشی تلفن همراه
توسط آن فرد	با سود ۱۲ درصدی

به صفحه بعد بروید.



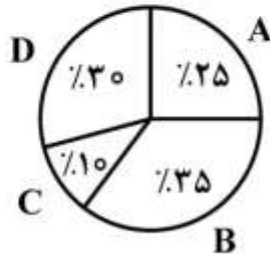
806 C



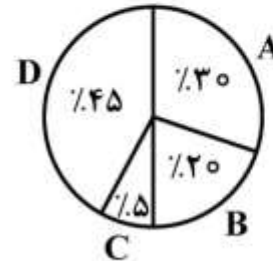
راهنمایی: با توجه به اطلاعات و نمودارهای زیر، به سؤال‌های ۱۲۹ و ۱۳۰ پاسخ دهید.

یک استان، دارای ۴ دارالترجمه رسمی با اسامی «A»، «B»، «C» و «D» است. ۴۰ درصد از مجموع مراجعین به این دارالترجمه‌ها زن هستند. نمودار شماره ۱، سهم هر دارالترجمه از مجموع مراجعین به این چهار دارالترجمه و نمودار شماره ۲، سهم هر دارالترجمه از مجموع مراجعین زن به دارالترجمه‌ها را نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۲. «سهم هر دارالترجمه از مجموع مراجعین زن»



نمودار شماره ۱. «سهم هر دارالترجمه از مجموع مراجعین به این چهار دارالترجمه»



۱۳۰- اگر ۷۵ مرد به دارالترجمه «C» مراجعه کنند،

چند مرد به دارالترجمه «D» مراجعه می‌کنند؟

- (۱) ۲۴۷۵
- (۲) ۱۵۰۰
- (۳) ۶۱۹
- (۴) ۴۵۰

۱۲۹- چند درصد از مراجعین به دارالترجمه «B»،

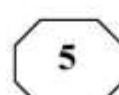
مرد هستند؟

- (۱) ۷۰
- (۲) ۶۵
- (۳) ۳۵
- (۴) ۳۰

## پایان بخش چهارم



806 C



## بخش پنجم

راهنمایی:

این بخش، مربوط به سؤال‌های آزمون زبان فرانسه - عمومی است.

### Partie A – Littérature

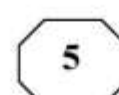
#### I - Trouvez la bonne réponse:

- 131- La science-fiction transforme ..... lui-même en source de .....  
1) l'irrationnel / vérité  
2) le fantastique / rationnel  
3) le merveilleux / l'irrationnel  
4) le rationnel / vertige, d'angoisse ou d'émerveillement
- 132- Les romantiques maintiennent l'unité ..... élargie à l'unité ..... ;  
mais ils critiquent l'unité .....  
1) d'action / d'intérêt / de temps et de lieu  
2) de temps et de lieu / de ton / d'action  
3) de temps / de lieu / d'action  
4) de ton / d'action / de lieu
- 133- Laquelle des assertions suivantes N'EST PAS CORRECTE?  
1) Le surréalisme a établi la souveraineté des images.  
2) Le surréalisme a enseigné à la poésie la révolte contre le monde.  
3) Le surréalisme a appris à la poésie à ne pas être une attitude de vie, mais un art.  
4) Le surréalisme a créé un climat littéraire nouveau qui a favorisé les expériences parallèles et fécondes de la poésie moderne.
- 134- Les fondements des règles du classicisme NE PROVIENNENT PAS .....  
1) des Anciens  
2) de l'inspiration et du génie  
3) de la raison  
4) de la nature humaine
- 135- La Préciosité est une réaction des milieux ..... contre .....  
qu'avait propagée(s) la cour d'Henri IV.  
1) érudits / l'aristocratie  
2) misogynes / les normes  
3) féministes / la courtoisie  
4) aristocratiques / les mœurs grossières
- 136- Le symbolisme est un mouvement de réaction contre .....  
1) les surréalistes  
2) les mystiques  
3) les romantiques  
4) les poètes de la Pléiade

TOURNEZ LA PAGE S.V.P



806 C

**II - Complétez le texte suivant à l'aide des réponses proposées:**

Les poètes ..... (137), T. Gautier, C. Mendès, Leconte de Lisle, T. de Banville, J.-M. de Heredia, S. Prudhomme travaillent dans leurs poèmes le décor et la couleur, mais aussi la forme, le rythme et la rime. Dans la préface de *Mademoiselle de Maupin*, Gautier affirme que la poésie et l'art ne peuvent être considérés comme des instruments car, ne servant rien ni personne, ils portent leur beauté en eux-mêmes: «Il n'y a de vraiment beau que ce qui ne peut servir ..... (138); tout ce qui est utile est laid, car c'est l'expression de quelque besoin et ceux de l'homme sont ignobles et dégoûtants, comme sa pauvre et infirme nature.»

Dès lors, le poète est un «homme de l'art», non un inspiré ou un lyrique. L'idée, venue de Banville est reprise et illustrée par Gautier dans *Emaux et Camées*. La poésie se tourne vers ..... (139) et prétend à l'immortalité, en se libérant des servitudes du «..... (140)».

- |                          |                         |
|--------------------------|-------------------------|
| 137- 1) du Parnasse      | 2) du Symbolisme        |
| 3) du Surréalisme        | 4) du Romantisme        |
| 138- 1) à l'art          | 2) à l'imagination      |
| 3) à rien                | 4) à l'idéal            |
| 139- 1) l'extrême Orient | 2) la Grèce et l'Orient |
| 3) le Proche Orient      | 4) l'Antiquité latine   |
| 140- 1) formalisme       | 2) réalisme             |
| 3) monarchisme           | 4) classicisme          |

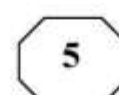
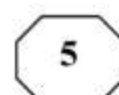
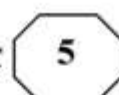
**Partie B - Grammaire****Cochez la bonne réponse:**

- 141- Les verbes «agir», «subir», «accomplir» et «bâtir» ont un point en commun? Lequel ?
- 1) L'infinitif en «ir» et la terminaison en double «s» à la conjugaison des trois personnes du pluriel.
  - 2) L'infinitif en «ir» et, comme «mentir», leur participe présent se termine par «issant».
  - 3) L'infinitif en «ir» et l'emploi de l'auxiliaire «être» au passé composé.
  - 4) L'infinitif en «ir» et l'irrégularité dans leur conjugaison.
- 142- Les normes de ponctuations ont été respectées dans une seule des phrases suivantes? Dans laquelle?
- 1) Où voulez-vous en venir? s'exclama le commissaire face au suspect!
  - 2) Demande-lui s'il partage avec son frère les frais d'inscription?
  - 3) Ah! Coquine de servante, comme tu as grands pieds.
  - 4) Ô temps! Suspend ton vol!

**TOURNEZ LA PAGE S.V.P**



806 C



- 143- Que représente CECI dans la phrase «Ceci n'est pas humble, mais il faut qu'il passe»?
- 1) Il désigne les choses en les montrant avec une fonction déictique.
  - 2) Il fait l'annonce de ce qui va suivre ayant une fonction anaphorique.
  - 3) Il représente un objet voisin, fait actuel, etc., par une fonction anaphorique.
  - 4) Il formule dans la principale, le contenu notionnel qui le précède grâce à une fonction déictique.
- 144- Quel pronom indéfini remplit mieux cette phrase lacunaire: «..... ne veut faire les premiers pas dans ce domaine».
- 1) Quiconque
  - 2) Aucun
  - 3) D'aucuns
  - 4) Nul
- 145- Je vais regarder la fièvre monter dans le ciel du crépuscule, les éclairs ..... en silence entre les écailles ..... des nuages ..... de feu.
- 1) courir / grises / auréolés
  - 2) couraient / gris / auréolées
  - 3) courir / gris / auréolées
  - 4) courent / grises / auréolées
- 146- Un peu de calme, de tranquillité, c'est ..... j'aspire.
- 1) toute ce que
  - 2) tout ce à quoi
  - 3) tous ceux-là que
  - 4) toute ce dont
- 147- Complétez en faisant l'accord nécessaire:  
Armée de mes crayons et de ma loupe, je ..... lentement le sujet, ..... à souligner les ....., encadrer les connecteurs logiques qui vont me servir à repérer le champ d'application du sujet, ses enjeux polémiques, à construire ma .....
- 1) relie / prêt / mot-clef / problématique propre
  - 2) relis / prêt / mots-clefs / propre problématique
  - 3) relie / prête / mot-clefs / problématique propre
  - 4) relis / prête / mots-clefs / propre problématique
- 148- Ils ont nagé ..... cadence, ..... toute la puissance de leurs muscles, jusqu'à ce qu'ils ..... les premiers rochers de l'île.
- 1) par / par / ont atteint
  - 2) en / de / atteignent
  - 3) sur / avec / atteignirent
  - 4) de / de / atteignent
- 149- ..... en claquant la porte, elle regretta ce mouvement d'humeur.
- 1) Après qu'elle sort
  - 2) Avant de sortir
  - 3) Après être sortie
  - 4) Avant d'être sortie

### Partie C – Vocabulaire

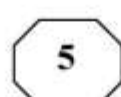
Cochez la bonne réponse:

- 150- «Déployer un drapeau» signifie .....
- 1) le plier
  - 2) le replier
  - 3) l'étendre
  - 4) l'enrouler
- 151- ..... de cette voûte nuit à la voix.
- 1) Le résonnement
  - 2) L'inférence
  - 3) Le raisonnement
  - 4) L'interférence

TOURNEZ LA PAGE S.V.P



806 C



- 152- Une fois la vérification ....., on peut ..... l'appareil.  
 1) opérée / déclencher 2) effectuée / enclencher  
 3) précédée / relâcher 4) accomplie / décider
- 153- Cette entreprise ne tolère aucune ..... dans ses affaires.  
 1) aptitude 2) médiation  
 3) attitude 4) ingérence
- 154- Remplissant deux rôles pour vous faire gagner de la place et de l'argent, un canapé ..... ne se repose jamais.  
 1) convertible 2) convertisseur  
 3) convertable 4) convertissant
- 155- Elle approuva sa proposition d'une ..... de la tête.  
 1) agitation 2) inclinaison  
 3) inclination 4) révocation
- 156- Trouvez l'intrus:  
 1) papetier 2) papotage  
 3) papivore 4) papeterie

#### Partie D – Compréhension de texte

Lisez le texte suivant et répondez aux questions 157 à 160:

L'huître, de la grosseur d'un galet moyen, est d'une apparence plus rugueuse, d'une couleur moins unie, brillamment blanchâtre. C'est un monde opiniâtrement clos. Pourtant on peut l'ouvrir: il faut alors la tenir au creux d'un torchon, se servir d'un couteau ébréché et peu franc, s'y reprendre à plusieurs fois. Les doigts curieux s'y coupent, s'y cassent les ongles: c'est un travail grossier. Les coups qu'on lui porte marquent son enveloppe de ronds blancs, d'une sorte de halos.

A l'intérieur l'on trouve tout un monde, à boire et à manger: sous un firmament (à proprement parler) de nacre, les cieus d'en dessus s'affaissent sur les cieus d'en dessous, pour ne plus former qu'une mare, un sachet visqueux et verdâtre, qui flue et reflue à l'odeur et à la vue, frangé d'une dentelle noirâtre sur les bords.

Parfois très rare une formule perle à leur gosier de nacre, d'où l'on trouve aussitôt à s'orner.

Francis Ponge, *Le parti pris des choses*

- 157- En parlant de l'«apparence plus rugueuse» de l'huître, l'écrivain .....  
 1) dénonce sa laideur 2) peint sa forme exécration  
 3) décrit son aspect dégoûtant 4) explique sa solidité
- 158- L'écrivain a défini la coquille de l'huître par .....  
 1) l'utilité, la couleur, la forme, la taille, la consistance  
 2) la taille, la viscosité, la couleur, la consistance  
 3) la taille, la couleur, la consistance, la matière  
 4) la couleur, la grosseur, la forme, l'utilité

TOURNEZ LA PAGE S.V.P



806 C



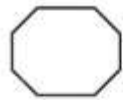
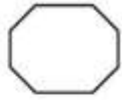
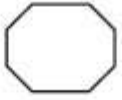
**159- Laquelle des expressions suivantes, tirées de l'extrait ci-dessus, est considérée comme une personnification?**

- 1) Leur gosier de nacre
- 2) C'est un monde opiniâtrement clos
- 3) L'huître [...] brillamment blanchâtre
- 4) Un sachet [...] qui flue et reflue à l'odeur et à la vue

**160- Laquelle des assertions suivantes N'EST PAS CORRECTE?**

- 1) Dans l'extrait ci-dessus, il existe une métaphore filée entre l'huître et le monde.
- 2) Dans l'extrait ci-dessus, on peut déceler uniquement des perceptions visuelle, gustative, olfactive.
- 3) Dans l'extrait ci-dessus, on peut constater des jeux sur les allitérations et assonances.
- 4) Différentes figures de style présentes dans l'extrait ci-dessus le rendent poétique.

**FIN DE LA SECTION 5**



806 C

